

دو فصلنامه بین المللی تحقیقات حقوق قضایی

License Number: 86227 Article Number: Y4N 1888512 ISSN-P: 2717-1132

بررسی و نقش اشتغال زنان در عرصه بین المللی و تاثیر آن در اقتصاد کشور

(تاریخ دریافت ۱۴۰۲/۰۵/۱۵ تاریخ تصویب ۱۴۰۲/۰۶/۳۰)

سمیرا نجفی کشکولی

چکیده

زن در جامعه ما هویتی است «انسان ساز» که از دامنش والاترین انسان ها به جامعه انسانی تقدیم می شود. زن در چنین جامعه ای و با چنین الگویی جز با ابزار آگاهی و ایمان در عرصه های تلاش برای توسعه ظاهر نمی شود و در یک عبارت زن ابزار نیست. این معنای واقعی تحقق عدالت در برابر توسعه می باشد. همانطور که می دانیم کشور ما جزء کشورهای در حال توسعه قلمداد می شود که حدود ۵۰ درصد جمعیت آن را زنان تشکیل می دهند. فعالیت های زنان چه در امور خانه و چه در مشاغل اداری بر کسی پوشیده نیست، لکن به دلیل عدم آگاهی و شناخت کافی در این زمینه بها و ارزش کافی به کار زنان داده نمی شود و خصوصاً در مورد کارهای تولیدی و اقتصادی، کار زنان نادیده گرفته می شود. برخی افراد اعتقاد دارند زنان باید از اشتغال در جامعه منع شوند. در این رابطه باید اذعان کرد که دولت ها نمی توانند نیمی از جمعیت خود را کنار بگذارند و انتظار توسعه یا وضعیت اقتصادی مناسب داشته باشند. انکار حقوق برای زنان در بسیاری از نقاط جهان نه تنها برای زنان ناعادلانه است، بلکه مانعی در برابر توانایی کشورها برای توسعه است؛ چرا که آنان جنبه های پایداری، انعطاف پذیری و فراگیری توان اقتصادی خود را از دست می دهند. با توجه به اهمیت موضوع اشتغال زنان در کشور در این مقاله قصد داریم به بررسی و نقش اشتغال زنان در عرصه بین المللی و تاثیر آن در اقتصاد کشور بپردازیم. روش تحقیق از نوع تحلیلی-توصیفی بوده و ابزار گردآوری داده ها با استفاده از فیش برداری می باشد.

واژگان کلیدی: اقتصاد کشور، حقوق زنان، اشتغال زن، توسعه اقتصادی، حقوق بین المللی



بخش اول: کلیات

بنابر آموزه‌های اسلامی مسئولیت اصلی بانوان مدیریت منزل و تربیت فرزندان صالح و توانمند است. اما گاهی ضرورت پیدا می‌کند که وارد اجتماع شوند. اشتغال بانوان باید بر اساس ضرورت‌ها باشد چون برای آن‌ها اصل نیست که در جامعه شاغل باشند و تأمین نیازهای خانه برعهده مرد است. ولی اگر کار برای زن ضروری است بهتر است رشته‌ها و مشاغل را انتخاب کنند که مورد نیاز جامعه باشد مانند: معلمی، پزشکی، پرستاری و امثال این‌ها. مشاغل بانوان باید به گونه‌ای باشد که هم شأن آنها حفظ شود و هم مدیریت منزل و حضور در کنار کودک و فرزند را از دست ندهند. با نگاهی به آیات قرآن کریم می‌توان دریافت که اشتغال فی‌نفسه برای زنان ممنوع نگردیده است. بسیاری از اطلاقات و دلالت‌های قرآن کریم نشان می‌دهد که زنان می‌توانند در فعالیت‌های اقتصادی جامعه مشارکت داشته و با حفظ حدود اسلامی به کسب و کار بپردازند. «مردان را از آنچه به اختیار کسب کرده‌اند بهره‌ای است و برای زنان نیز از آنچه کسب می‌کنند بهره‌ای است» (نساء/۳۲)

آیه کریمه بر جواز اشتغال زنان دلالت دارد؛ زیرا حلال بودن اکتساب یعنی تحصیل درآمد مفروض گرفته شده و سپس درباره درآمد حاصل از آن اظهار نظر شده است. بنابراین اگر زن و مرد به سبب انجام کاری درآمدی کسب کنند، متعلق به خودشان است. خداوند در سوره قصص داستان دختران حضرت شعیب را ذکر می‌کند که به علت کهولت سن پدر خویش برای کسب درآمد به کار چوپانی اشتغال داشتند. با نگاهی به سیره پیامبر این نکته آشکار می‌گردد که زنان بسیاری در زمان پیامبر بودند که به کار و فعالیت اقتصادی می‌پرداختند و کار آنان نیز مورد قبول و تأیید ایشان قرار می‌گرفته است. حضرت خدیجه از زنان برگزیده و بزرگواری است که خود تاجری ثروتمند بود که به کار تجارت می‌پرداخت و حضرت رسول (ص) مدتی از جانب ایشان به تجارت مشغول بود. در روایتی آمده است که رسول خدا (ص) به زنان اجازه می‌داد تا در مراسم عید فطر و قربان از منازل خود خارج شوند و برای تهیه روزی بساط بگسترانند.

در روایات ائمه اطهار ما به روایتی بر نمی‌خوریم که اشتغال زن را به‌طور کلی حرام اعلام کرده باشد؛ بلکه روایات بیشتر در مورد نحوه حضور زن در اجتماع و کار و فعالیت او سخن گفته‌اند. از حضرت علی (ع) روایت شده است که «به زن بیش از حد و توانش کار واگذار

مکن و این برای حال او بهتر و برای زندگی او مناسب‌تر است؛ زیرا زن ریحانه است و قهرمان نیست. این روایت که نهی ارشادی است به وضع روحی و جسمی زنان اشاره دارد و بیانگر آن است که آنها باید وظایفی را برعهده گیرند که با وضعیت جسمانی و عاطفی‌شان متناسب باشد و آسایش و آرامش آنها را برهم نزنند. روایات دیگری نیز در مورد نحوه حضور زن در اجتماع وجود دارد که آنان را به رعایت عفت و تقوا و عدم اختلاط با مردان دعوت می‌کند. در زمینه روابط کلامی نیز که زمینه‌ای برای برقراری روابط عاطفی عمیق است، در روایات و قرآن توصیه‌هایی به زنان شده است؛ مانند اینکه با لحن نازک و تحریک‌آمیز سخن نگویند. (احزاب/ ۳۳)

هر چند اسلام حق کار برای زنان را به رسمیت شناخته و در کنار آن استقلال مالی و دستمزد عادلانه را نیز مورد تأکید قرار داده است، اما با توجه به ضرورت حفظ بنیاد خانواده، اهمیت کار زنان در خانه و سازگاری طبیعت و ویژگی‌های زیستی زنان با آن، ترجیح می‌دهد در تقسیم کار، زنان کارهای خانه و تربیت اولاد را به عهده گیرند، و در صورت تراحم بین کار زنان در بیرون از خانه و مصالح مهم‌تر، مصالح اساسی‌تر مقدم خواهند بود. اسلام خواستار آن است که زن زندگی‌ساز و هنرمند باشد. هم عامل آرامش و سکون باشد و هم بهشت را زیر قدم خود داشته باشد. که اولی را در سایه خوب شوهرداری و دومی را در سایه تربیت نسل و مادری به دست خواهد آورد.

در یک نگاه کلی، اسلام با کار زنان با شرایطی که برای آن مقرر شده، مخالف نیست؛ اما در تعارض میان کار زنان و ارزش‌های مهم و بنیادی‌تر، نگاه اسلام به کار زنان متفاوت خواهد بود. سعی بر آن است که در کنار کار زنان، ارزش‌های بنیادین و اساسی صیانت و حمایت شود. البته این موضوع در مورد مردان نیز صادق بوده و منحصر به زنان نیست. اساس قاعده «تراحم» و «اهم و مهم» اگر میان اهم و مهم تراحم پیدا شود، از نظر شرعی، عقلی و نقلی، اهم مقدم بر مهم است. در همین زمینه، ارزش‌ها و نهادهایی مثل خانواده، که در اسلام دارای اهمیت بنیادین هستند، صیانت می‌شوند و حفظ آنها در درجه اول اهمیت قرار دارد. از نظر آیت‌الله جوادی آملی تفاوت حقوقی زن و مرد و مسئله اشتغال آن دو هیچ‌گونه ارتباطی با مسئله برتری آنها ندارند. کمال انسانی و مناصب اجرایی دو موضوع جدا از هم هستند. اصل تحصیل علم و معرفت و اصل اجتهاد و فقاقت و اصل عرفان و فلسفه و ... کمال است که زن و مرد در آن مساوی هستند. اما شغل‌ها و مناصب و فعالیت‌های



اجتماعی، که به هیچ وجه نمی توانند نمایانگر کمال باشند، بر حسب ساختار بدن و شرایط و نیاز تقسیم می شود. از دیدگاه علامه طباطبایی، اسلام مرد و زن را از لحاظ تدبیر شئون زندگی در اراده و کار مساوی می داند؛ یعنی این دو در مسئله برآوردن نیازهای زندگی خود مساوی هستند. «بنابراین زن می تواند مانند مرد، مستقلاً اراده کند، مستقلاً کار کند و مالک نتیجه کار و کوشش خود شود و نفع و ضرر کارش مربوط به خودش می باشد.

امام خمینی (ره) از آنجاکه اقتصاد را به عنوان ابزاری می داند که با استفاده از آن می توان در راه تعالی اسلام گام برداشت، اشتغال زنان را در کنار مردان بدین قصد مورد تأیید و تشویق قرار می دهد. ایشان در وصیت نامه سیاسی الهی خویش می فرماید: «ما مفتخریم که بانوان و زنان پیر و جوان و خرد و کلان در صحنه های فرهنگی و اقتصادی و نظامی حاضر و همدوش مردان یا بهتر از آنان، در راه تعالی اسلام و مقاصد قرآن کریم فعالیت دارند. ایشان داشتن شغل برای زن را کاملاً بدون مانع ارزیابی می کنند اما مدام این نکته را یادآوری می نمایند که هدف زن و مرد از هرگونه فعالیتی رسیدن به مرحله کمال و قرب الهی است بنابراین لازم است که نحوه حضور زنان در فعالیت های اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی خویش به گونه ای باشد که سد راه به دست آوردن کمال نشوند. «البته شغل برای زن، شغل صحیح برای زن، هیچ مانعی ندارد. لکن نه آنطوری که آنها (رژیم پهلوی) می خواستند. آنها نظرشان این نبود که زن یک اشتغالی پیدا بکند. نظرشان این بود که زن مثل مردها هم، زن ها را و مردها را از آن مقامی که دارند منحط کنند، نگذارند یک رشد طبیعی از برای قشر زن پیدا شود یا یک رشد طبیعی از برای قشر مرد. اما با وجود این امام بزرگوار نقش اصلی زن را مربی بودن او برای رشد و کمال انسان ها معرفی می نماید که با تعلیم و تربیت خود سعادت یا شقاوت جامعه را رقم می زند و این مسئله کمال ویژه ای است که خداوند با توجه به خلقت و توانایی پیامبرگونه زن برای او مقدر نموده است. «زن مربی جامعه است. از دامن زن انسان ها پیدا می شوند. مرحله اول مرد و زن صحیح از دامن زن است. مربی انسان ها زن است، سعادت و شقاوت کشورها بسته به وجود زن است. زن با تربیت صحیح خودش انسان درست می کند و با تربیت صحیح خودش کشور را آباد می کند. مبدأ همه سعادت ها از دامن زن بلند می شود. زن مبدأ همه سعادت ها باید باشد.

مقام معظم رهبری مشارکت فعال زن در عرصه های اجتماعی اقتصادی و سیاسی را نه تنها جایز می داند، بلکه کمال یک جامعه را در این می داند که زن ها به عنوان نیمی از جامعه در

آن مشارکت جدی داشته باشند. «عرصه دوم، عرصه فعالیت‌های اجتماعی است، اعم از فعالیت اقتصادی، فعالیت سیاسی، فعالیت اجتماعی به معنای خاص، فعالیت علمی، درس گفتن، تلاش کردن در راه خدا، مجاهدت کردن و همه میدان‌های زندگی در صحن جامعه. در اینجا هم میان مرد و زن در اجازه فعالیت‌های متنوع در همه میدان‌ها هیچ تفاوتی از نظر اسلام نیست. اگر کسی بگوید مرد می‌تواند درس بخواند، زن نمی‌تواند، مرد می‌تواند فعالیت اقتصادی داشته باشد، زن نمی‌تواند، مرد می‌تواند فعالیت سیاسی کند، زن نمی‌تواند، منطق اسلام را بیان نکرده و برخلاف سخن اسلام حرف زده‌است.

بخش دوم: بررسی اشتغال زنان از دیدگاه اجتماعی و اقتصادی

ضرورت و الزام اقتصادی - اجتماعی مشارکت مولد زنان در برنامه‌های توسعه، در تکامل تاریخ و پیشرفت جوامع بشری همیشه مطرح بوده است لیکن هنوز در جوامع عقب‌مانده و در حال توسعه، تعادل مطلوب و قابل قبول در امر مشارکت عادلانه زن و مرد در فعالیت‌های اقتصادی و استفاده منصفانه از فرصت‌های مشارکت و بروز خلاقیت و استعداد برتر برقرار نشده است.^۱ با آنکه آیین مقدس اسلام از ۱۴۰۰ سال قبل استقلال اقتصادی زن را پیش‌بینی و اعلام کرده است و به تبعیت از آن در متون حقوقی نیز بدان اشاره شده است ولی زنان ایرانی از نظر وضعیت اقتصادی، بالاخص ورود به بازار کار، که شاخصه اصلی اتکای اقتصادی است حدود صد سال عقب‌تر از زنان در جوامع صنعتی می‌باشد.^۲ از این رو برای دستیابی به استقلال اقتصادی، کافی نیست که در متون حقوقی و مذهبی برای زنان حقوقی قائل شویم که تحقق آنها به راحتی امکان پذیر نباشد، بلکه این استقلال یاد شده نیازمند زمینه‌سازی‌های فرهنگی، اجرایی و اجتماعی است که آن را از حد شعارهای آرمانی و مجموعه اندیشه‌های احساساتی بیرون آورده و به مرحله عمل برساند.

بند اول: میزان اشتغال زنان در دنیا

در همه جوامع نیروی کار یکی از مهم‌ترین عوامل تولید به شمار می‌رود و درآمد حاصل از آن همیشه بخش بزرگی از درآمد ملی هر کشور را تشکیل می‌دهد. نظر به اینکه جوامع مختلف در زمان رشد سریع اقتصادی نیاز به نیروی کار دارند، جمعیت زنان باید بخشی از

^۱ - باقریان، میترا، بررسی ویژگی‌های اشتغال زنان در ایران، تهران، سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۶۹، صص ۱-۲

^۲ - کار، مهرانگیز، زنان در بازار کار ایران، تهران، انتشارات روشنگران، ۱۳۷۳، ص ۱۰۰



نیروی کار مورد نیاز جامعه را تأمین کند. به طور کلی نیروی کار زنان نقش مهمی در توسعه اقتصادی کشورها دارد و به همین دلیل کشورهای پیشرفته در روند صنعتی شدن به طور مداوم بر نرخ مشارکت زنان در تولید افزوده اند. در کشورایالات متحده آمریکا در سال ۱۹۰۰، تنها ۲۰ درصد از زنان در تولید شرکت داشتند. این نسبت در سال ۱۹۷۲ به ۴۳/۸ درصد افزایش یافت. مدارک و شواهد موجود در کشور شوروی سابق نشان می‌دهد که در دوران رشد سریع صنعتی در دهه ۱۹۳۰، عدم شرکت زنان در امر تولید جرم محسوب می‌شده و فقط زنان دارای فرزند کوچک از این قاعده معاف بودند، حتی زنان متخصص مشمول این معافیت نمی‌شدند. به همین جهت تقریباً تمامی نیروی فعال زنان در فعالیت‌های اقتصادی مشارکت داشتند. در این دوره، با وجود اینکه رشد جمعیت شوروی کاهش یافته و در حدود یک درصد رسید، نرخ رشد نیروی کار جامعه که عامل مهم در رشد اقتصادی است، ۲/۵ درصد افزایش یافت. این امر به دلیل استفاده از نیروی کار بالقوه کشور یعنی زنان بوده است.^۱

درخصوص میزان اشتغال زنان در سطح جهان باید گفت که در کشورهای مختلف دنیا سهم مشارکت زنان در فعالیت‌های اقتصادی تفاوت زیادی با یکدیگر دارند. پژوهش‌های سازمان بین‌المللی کار نشان می‌دهد که در سال ۱۹۸۰ از کل ۱۸۰۰ میلیون کارگر شاغل در جهان، بیشتر از ۶۰۰ میلیون نفر یعنی بیش از یک سوم آنان زن بوده‌اند براساس همین تحقیقات، بالاترین نرخ مشارکت زنان ۱۵ ساله به بالا، در کشور شوروی سابق (حدود ۶۰ درصد) بوده است. این نسبت در سایر کشورهای اروپایی دارای اقتصاد برنامه‌ای متمرکز (حدود ۵۷ درصد) و در کشورهای آمریکای لاتین (حدود ۲۴ درصد) و در کشورهای شمال آفریقا (حدود ۴ درصد) مشاهده شده است. همچنین لازم به ذکر است که در بین سالهای ۱۹۵۰ تا ۱۹۸۰ در سراسر جهان، نرخ مشارکت زنان در نیروی کار افزایش چشمگیری داشته است به طوری که در سال ۱۹۸۰ زنان سهم بیشتری از نیروی کار را به خود اختصاص داده‌اند. البته تغییرات و تحولات سالهای ۱۹۷۵ تا ۱۹۸۰ الگوی واحدی را نشان نمی‌دهند، زیرا در حالیکه نرخ مشارکت زنان در نیروی کار در اکثر کشورهای اروپایی و آمریکای شمالی و اقیانوسیه

^۱ - افشاری، زهرا، اشتغال زنان و نقش آن در بازسازی اقتصادی کشور، تهران، طرح پژوهشی دانشگاه الزهراء،

افزایش یافته است، در سایر نقاط دنیا این نرخ کاهش داشته است.

بند دوم: نگاهی به اشتغال زنان از بعد اقتصادی و مالی

در کشورهای درحال توسعه بیشتر جمعیت درمناطق روستایی زندگی می کنند و در این مناطق زنان به فعالیت های مختلف کشاورزی اشتغال دارند.

در طول سه دهه اخیر بخش کشاورزی در کشورهای در حال توسعه دچار تحولات بسیاری گردیده است. آشنایی با فن آوری جدید و تغییر در ساختار تقسیم اراضی، افزایش تولید و رشد نابرابری در مناطق روستایی، تحرک و جابجایی زیادی را در مشاغل سنتی زنان ایجاد کرده است. در عین حال توانایی و ظرفیت شغلی آنها را در برخی از کارهای کشاورزی افزایش داده است. در زمینه بخش صنعت در این مناطق باید گفت با وجود اینکه صنعتی شدن سریع فرصت های شغلی زیادی را به همراه می آورد، اما برای زنان چندان مفید نمی باشد زیرا آنان غالباً منابع درآمدزای سنتی خود را از دست می دهند بدون اینکه مشاغل جدیدی را بدست آورند. مصادیق این حکم را می توان در کشورهای تازه صنعتی شده مانند برزیل، هند، مکزیک و نیجریه مشاهده نمود.

در بخش خدمات زنان در محدوده قانون کار و سایر قوانین ذی ربط از فرصت های شغلی مناسبی برخوردار هستند، اگر چه هنوز تعداد آنها خیلی کم است.

در کشورهای درحال توسعه سهم اشتغال زنان دربخش دولتی بین ۵ و به ندرت تا ۵۰ درصد است، درآفریقا اشتغال زنان واستخدام آنها در بخش دولتی - غیرآموزشی - بعد از گذشت بیشتر از ده سال افزایش نیافته است ولی در خاورمیانه و آمریکای لاتین افزایش وجود داشته است.^۱ باید توجه داشت اگر چه زنان در کشورهای صنعتی توانسته اند تقریباً بطور برابر با مردان درجامعه مشارکت اقتصادی واجتماعی داشته باشند لکن در کشورهای در حال توسعه زنان فرصت های کمی برای اشتغال وکار دارند به نحوی که نرخ مشارکت آنها به طور متوسط ۵۰٪ مردان است البته بالارفتن تحصیلات زنان، رشد اقتصادی و تغییر نگرش ها باعث شده در مجموع جهان شاهد گسترش فعالیت اقتصادی زنان در جوامع باشد. به طوری که حضورفعال آنها را در برخی ازمشاغل که تا یکی دودهه پیش متداول نبود می توان مشاهده نمود.

^۱ - باقریان، میترا، بررسی ویژگیهای اشتغال زنان در ایران، منبع پیشین، ص ۳



انگیزه‌های گوناگونی را می‌توان برای رشد اشتغال زنان در جهان برشمرد، از انگیزه‌های اقتصادی با هدف بهبود وضعیت اقتصادی خانواده گرفته تا انگیزه‌های روانی نظیر حفظ استقلال فردی، احساس امنیت و گسترش روابط اجتماعی. انگیزه‌های اشتغال در طبقات مرفه اجتماعی بیشتر انگیزه‌های روانی است. در حالی که در طبقات متوسط و کم درآمد مهم‌ترین انگیزه اشتغال در زنان نیازهای مادی است.

گرچه وضعیت فضای حاکم بر اشتغال زنان در کشورهای پیشرفته با وضعیت آنان در کشورهای در حال توسعه یا کم توسعه یافته متفاوت است اما وجوه مشترک بسیاری را در زمینه فرصت‌های برابر شغلی، دوگانگی در سیستم‌های پرداخت و دسترسی به مشاغل رده‌های بالای سازمان و مدیریتی می‌توان مشاهده نمود.^۱

بخش سوم: تحلیل و بررسی موانع اشتغال زنان در کشور و محدودیت‌های موجود

موانع اشتغال زنان ممکن است ریشه در فرهنگ، اقتصاد یا عوامل اجتماعی داشته باشد، از این رو دولت‌ها وظیفه مضاعفی دارند که با اتخاذ تدابیر و اقداماتی این موانع را تا سر حد امکان برطرف نمایند در این ارتباط ماده (۵) کنوانسیون رفع هر گونه تبعیض علیه زنان (CEDAW) در بند الف «تغییرالگوهای اجتماعی و فرهنگی رفتار مردان و زنان به منظور از میان برداشتن تعصبات، سنتها و روشهایی که مبتنی بر آرمان طرز فکر پست‌نگری یا برترنگری جنسیت و یا نقشهای کلیشه‌ای برای مردان و زنان باشد»^۲ را از وظایف دولت‌های عضو دانسته است. لیکن باید توجه داشت، از بین بردن این موانع امری به مراتب سخت‌تر از برطرف کردن موانع حقوقی می‌باشد، و درواقع نیاز به یک عزم و اراده ملی دارد.

بند اول: موانع اجتماعی

الف - طرز فکر و باورهای اجتماعی

تاکید بیش از حد بر نقش مادری، همسری، کمبود امکانات و بی توجهی آشکار به نقش‌های

^۱ - جزئی، نسرين، بررسی موانع و مشکلات موجود در اشتغال زنان در بخش‌های دولتی، تهران، معاونت پژوهشی

دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۰، ص ۱۲

^۲ - Article ۵-States Parties shall take all appropriate measures

(a) To Modify the Social and Cultural patterns of conduct of men and women, with a view to achieving the elimination of prejudices and customary and all other practices which are based on the idea of the inferiority or the superiority of either of the sexes or on stereotyped roles for men and women;

دیگری که زنان و دختران می‌توانند بر عهده گیرند باعث می‌شود که تنها نقش مقبول برای زنان ازدواج و ایفای نقش خانه داری باشد، این قبیل دیدگاه‌ها هم در کتاب‌های درسی مدارس و هم در سریالهای تلویزیونی به وفور تبلیغ و ترویج می‌شود.^۱ در جهت شناخت طرز فکر و باورهای اجتماعی موجود در رابطه با اشتغال زنان می‌توان از یافته‌های تحقیقاتی قابل دسترسی استفاده نمود.

نظرسنجی‌های انجام شده از مردم تهران در خصوص اشتغال زنان که در سالهای ۱۳۷۱ و ۱۳۷۴ توسط مرکز سنجش برنامه‌های صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران صورت گرفته، نشان می‌دهد که پاسخگویان در میان الگوی انتظارات در جامعه، مهم‌ترین وظیفه زن را خانه داری می‌دانند. به طور کلی در جامعه مورد بررسی ۶۶/۵ درصد معتقد بوده‌اند که مهم‌ترین وظیفه زن خانه داری است. در مورد وزیر شدن زنان ۳۳ درصد پاسخگویان کاملاً مخالف بوده و عقیده داشته‌اند که زنان به دلیل مشکلات و ویژگی‌های خاص برای پست وزارت مناسب نمی‌باشند، مردان بیش از زنان با وزیر شدن زنان مخالف بودند.^۲ بدین ترتیب فضای فرهنگی جامعه در مورد اشتغال زنان، مهم‌ترین وظیفه زن را خانه داری دانسته و انتظار دارد که در صورت عدم تمایل شوهر، زن کار خود را با تمام علاقه‌ها و سرمایه گذارها صورت گرفته رها نماید.

ب- سنتها و آداب و رسوم اجتماعی

در جامعه ما یکی از موانع اشتغال زنان آن است که بسیاری از افراد عقیده دارند که «وظیفه زن فقط خانه‌داری است»، این امر از تداوم سنت‌های خاصی حکایت دارد که بر طبق آن زن فقط برای خانه تربیت می‌شد و مرد برای بیرون از خانه، از ابتدا پسر و دختر از هم متمایز می‌شدند و هر یک نقش و ارزش خاصی می‌یافتند. فرزند پسر اولویت یافته و ممتاز شناخته می‌شد و در تمامی مراحل رشد، ابعاد آزادی، نوع مدرسه و رفتارش جدا از فرزند دختر تنظیم و تعیین می‌گردید. این امر جامعه‌ای دو گانه می‌آفرید و در آن زن بودن و مرد بودن با خصایصی بسیار جدا شکل می‌گرفت که نتیجه طبیعی آن دور ماندن نیمی از جامعه از

^۱ - موسوی، یعقوب، موانع و مشکلات اجتماعی زنان شاغل در بخش غیردولتی، تهران، مرکز امور مشارکت زنان ریاست

جمهوری، ۱۳۸۱، ص ۱۰۰

^۲ - شادی طلب، ژاله، «اشتغال زنان در فرآیند توسعه»، مجموعه مقالات تعاون، زن، اشتغال، تهران، وزارت تعاون،

۱۳۷۵، صص ۴۵-۴۶



تمامی صحنه‌های اجتماعی بود، به طوری که از ویژگی‌های آن جدایی دو انسان بر اساس خصایص و علائم جسمانی بود و در نهایت به پیدایی دوانسان (انسان حاکم و انسان محکوم) منجر می‌گردید.^۱ با توجه به نکات فوق می‌توان نتیجه گرفت که موقعیت زنان در بازار کار و جایگاه آنها در خانه و خانواده جزئی از نظام کلی اجتماع است که آنها را تابع مردان ساخته است. بر همین اساس برخی از متفکران نظیر سیمون دوبووار عقیده دارند که این طبیعت نیست که محدودیت نقش‌های زنان را موجب شده بلکه این نقش‌ها زائیده مجموعه‌ای از پیشداوری‌ها، سنت‌ها و قواعد کهنی بوده است که زنان نیز کم و بیش در پیدایش آن شریک و سهیم بوده‌اند.^۲ در برخی از جوامع براساس آداب و رسوم رایج اجتماعی، ازدواج در سنین پایین، تصمیم‌گیری والدین برای ازدواج فرزندان‌شان قبل از رسیدن به سن بلوغ، واگذاری تمامی وظایف خانه به زن (در بیشتر جوامع زنان تنها مسئول اداره خانه هستند)، نگهداری بچه‌ها، خانه‌داری و آشپزی حوزه خاص زنان است. انجام این امور بخش عمده‌ای از وقت و انرژی زنان را به خود اختصاص می‌دهد و مانعی برای اشتغال زنان محسوب می‌شود.

ج - ازدواج و مسئولیت‌های خانوادگی

از عوامل موثر در کاهش اشتغال زنان، متأهل بودن است. ازدواج، مادرشدن و پرورش فرزند از مواهب الهی است. معمولاً دختران نسبت به پسران در سنین پایین‌تر درگیر نقش‌های خانوادگی می‌شوند. تداخل وظایف مادری با تحصیل و کسب تخصص از عوامل مهمی است که معمولاً به کسب تخصص زنان لطمه می‌زند.^۳ در بررسی اشتغال زنان متأهل دو فرض را می‌توان در نظر گرفت، فرض اول، حالتی است که زنان برای کارکردن با مخالفت شوهرانشان مواجه باشند که در این حالت ممکن است (با احراز شرایط قانونی) آنها علاوه بر موانع اجتماعی با موانع حقوقی نیز برای اشتغال مواجه باشند.^۴ اما در فرض دوم، یعنی حالتی که زنان برای اشتغال با مخالفت شوهرانشان مواجه نیستند به این علت که مسئولیت عمده امور خانه بر دوش آنها گذاشته شده و مسئولیت تأمین مالی خانواده اساساً بر عهده همسرانشان می‌باشد، کمتر به دنبال مشارکت در فعالیت‌های اقتصادی هستند. بالعکس، زنان

^۱ - ساروخانی، باقر، مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده، تهران، انتشارات سروش، ۱۳۷۰، ص ۱۸۰

^۲ - میشل، آندره، جنبش اجتماعی زنان، ترجمه هما زنجانی زاده، مشهد، نشر نیکا، ۱۳۷۲، ص ۱۱۵

^۳ - دانش، عصمت، اشتغال زنان و مسائل آن از چشم‌اندازهای مختلف، تهران، انتشارات دریای اندیشه، ۱۳۸۲، ص ۱۲۰

^۴ - در زمینه محدودیت اشتغال زنان شوهر دار در بخش بعد سخن خواهیم گفت.

مجرد چون مسئولیت تأمین مالی خودشان را خود به دوش دارند، بیشتر متقاضی کار هستند و استخدام آنان نیز برای کارفرما مطلوبیت بیشتری دارد چراکه انتظارات آنها به علت کم‌تر بودن بار هزینه هایشان در مقایسه با زنان متاهلی که مجبور به کار کردن هستند، کمتر است. زنان مطلقه و بیوه نیز در گروه اخیر قرار می‌گیرند و میزان اشتغال بالاتری نسبت به زنان متاهل دارند. بدین ترتیب می‌توان به این نتیجه رسید که عدم مشارکت مساوی مردان در کارهای خانه‌داری و نگهداری فرزندان که از نتایج طبیعی تلقی کردن این کارها توسط زنان در چهارچوب فرهنگ مردسالاری است به نوبه خود می‌تواند مانع از اشتغال زنان در بیرون از خانه شود و یا باعث رها کردن این اشتغال، به دلیل خستگی مفرط ناشی از اضافه شدن ساعات کار خارج از خانه به ساعات کار خانه داری شود.

ماده (۵) کنوانسیون (CEDAW)، در بند «ب» از دول عضو می‌خواهد نسبت به شناسایی مسئولیت مشترک زن و مرد در تربیت و رشد کودکان اقدام نمایند.^۱

باید گفت اگر مردان به عنوان شوهر و پدر، سهمی کاملاً برابر با زنان در زمینه پرورش و نگهداری فرزندان، تهیه خوراک و سایر کارهای خانه‌داری بپذیرند. بخش بزرگی از مشکلات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه مرتفع خواهد شد. اتخاذ چنین روشی در درازمدت می‌تواند به افق دید مردان وسعت بخشیده و آنها را از محدودیت‌های ذهنی فرهنگی مردسالاری بیرون آورد و به زنان اجازه می‌دهد که به تدریج بخش عمده‌ای از فعالیت‌های اقتصادی جامعه خود را عهده دار شوند بدین ترتیب زنان امکان می‌یابند هم سطح زندگی خانواده خود را بالا ببرند و هم در توسعه اقتصادی کشور سهم بگیرند.

د- عدم تمایل کارفرمایان نسبت به استخدام زنان

کارفرمایان در بیشتر نقاط جهان، تمایل کمتری به استخدام نیروی کار زنان نسبت به مردان دارند، مهم‌ترین دلایلی که برای توجیه این عمل عنوان شده عبارت است از:

- عدم توانایی و قدرت جسمانی زنان برای انجام بسیاری از کارهای صنعتی (به‌خصوص کارهایی که نیاز به توانایی جسمانی دارند).

- غیبت بیشتر زنان در ساعت‌های کار بنا به دلایلی چون زایمان، تربیت فرزندان و مشکلات خانوادگی.

^۱ - Article ۵- (b).. the recognition of the common responsibility of men and women in the upbringing and development of their children.,



- بالارفتن هزینه‌های کارفرمایان برای پرداخت حقوق و مزایای زنان شاغل در مرخصی‌های بعد از زایمان و پرداخت هزینه‌های غیرمستقیمی چون جانشین کردن کارگر در مدت مرخصی زایمان و ایجاد مهد کودک برای فرزندان زنان شاغل.

- بهره‌وری پایین زن طی دوره بارداری و یا بعد از مرخصی زایمان.
براین اساس زنان برای یافتن شغل، شرایط مساوی با مردان را ندارند و اگر چنانچه در شرایط مساوی با آنان باشند، کارفرمایان با تصور و پیشداوری منفی نسبت به کار زنان، مردان را در آن ترجیح می‌دهند.^۱

بند دوم: موانع فرهنگی

الف - موانع آموزشی

پایین بودن میزان سواد و دانش فنی و تحصیلات عالی زنان همواره به عنوان مانعی جدی در سر راه دستیابی زنان به اشتغال به ویژه در بخش خصوصی و بخش مدرن شهری مطرح است و زنانی موفق به تصدی شغل می‌شوند که از میزان سواد بالاتری نسبت به مردان برخوردار باشند. در این ارتباط کنفرانس جهانی پکن ضمن آنکه تبعیض در آموزش و پرورش را از عوامل محدود کننده اشتغال زنان دانسته، خواستار اتخاذ اقداماتی از سوی دولت‌ها، برای بالا بردن میزان تحصیلات آنها شده است. لیکن علیرغم تمام توصیه‌هایی که از سوی برخی از اسناد بین المللی (مانند ماده (۱۰) کنوانسیون رفع هر گونه تبعیض علیه زنان) در این زمینه شده است بررسی‌های آماری نشان می‌دهد:

اولاً، تقریباً در تمامی کشورها تعداد دانش‌آموزان دختر کمتر از دانش‌آموزان پسر می‌باشد. ثانیاً، سهم دختران در فراگیری آموزش‌های فنی و حرفه‌ای به جز در برخی از رشته‌ها مانند آرایشگری و خیاطی به مراتب کمتر از پسران است.

باید توجه داشت وجود این تبعیضات عمده‌تأثیرش در نگرش و دیدگاه‌های اجتماعی جوامع دارند. براساس تحقیقاتی که سازمان یونسکو^۲ در اوایل دهه ۱۹۶۰ درباره ۱۱۸ کشور جهان

^۱ - ابراهیمی معینی، علی، بررسی حق اشتغال زنان در حقوق ایران و در اسناد بین‌المللی و موانع حق اشتغال، پایان

نامه کارشناسی ارشد حقوق عمومی، مجتمع آموزش عالی قم، ۱۳۸۰، ص ۱۲۸

^۲ - سازمان علمی، فرهنگی و تربیتی ملل متحد که به اختصار یونسکو خوانده می‌شود در سال ۱۹۴۶ به وجود آمده است. این سازمان از موسسات تخصصی سازمان ملل متحد است. برای اطلاع بیشتر رجوع شود به آشوری، داریوش، فرهنگ سیاسی، تهران، انتشارات مروارید، ۱۳۶۸، صص ۱۷۳- ۱۷۴



انجام داده است کلیه کشورهای مزبور طبق قوانین خود (به جز در برخی از رشته های آموزشی نظیر آموزش حرفه ای) به دختران فرصت های آموزشی مساوی با پسران داده اند ولی در عمل اینگونه نبوده و تعداد دانش آموزان دختر و پسر به هیچ وجه با هم یکسان نمی باشد. آمار سازمان یونسکو در سالهای ۶۷-۱۹۶۶ نشان می دهد که در جهان نسبت تعداد دختران دانش آموز در مقابل پسران در مدارس ابتدایی ۴۴ درصد و در مدارس متوسطه ۴۳ و در دانشگاهها ۳۶ درصد تعداد پسران بوده است.^۱

از طرف دیگر، همانگونه که نسبت بی سوادی در میان زنان بیشتر از مردان است، عدم مهارت های شغلی و حرفه ای نیز در زنان بسیار چشمگیر می باشد که علت این امر علاوه بر باورهای اجتماعی تا حد زیادی به خود خانواده ها نیز بر می گردد زیرا خانواده ها معمولاً آینده دختران را چنان نمی بینند که سرمایه گذاری بلند مدتی برای آنها داشته باشند، لذا آموزش و تخصصی در سطوح بالای علمی و عملی را برای آنان مفید نمی دانند.^۲

براین اساس دولت ها باید برای رفع این مانع اشتغال زنان، علاوه بر تلاش و کوشش در راه تغییر باورهای اجتماعی جامعه، برنامه جامع و گسترده ای را برای آموزش و ارتقاء مهارت های شغلی زنان تدوین و تنظیم نمایند که بدین وسیله آنان بتوانند با کسب مهارت های لازم وارد بازار کار شوند.

ب- ضعف خودباوری و اتکاء به نفس از سوی زنان

یکی از موانع مهم اشتغال زنان، عدم خودباوری آنها برای احراز مشاغل (به خصوص مشاغل مدیریتی و کلیدی) می باشد، تصویری که هر فرد از خود و توانایی های خود برای رویارویی با دنیای خارج و جامعه دارد خودباوری اوست که عمدتاً ریشه در فرهنگ و سابقه تاریخی دارد، زیرا در سالیان طولانی زنان به علت موانع مختلف فرهنگی نتوانسته اند بسیاری از مشاغل جامعه را احراز نمایند، در نتیجه به مرور زمان این تصور برای آنها ایجاد شده که چون قدرت و توانایی انجام کار را ندارند، از به کارگیری آنها ممانعت شده است به همین دلیل آنها خود را دست کم می گیرند و به نیروی کار مردان، حتی در مواردی که از حیث تخصص و تجربه هم سان و هم شان با آنها هستند بیشتر بهاء می دهند.^۱

^۱ - علویون، محمد رضا، کار زنان در حقوق ایران و حقوق بین المللی کار، منبع پیشین، ص ۵۰

^۲ - سفیری، خدیجه، جامعه شناسی اشتغال زنان، تهران، موسسه فرهنگی انتشارات تبیان، ۱۳۷۷، ص ۸۸

^۱ - کار، مهرانگیز، زنان در بازار کار ایران، منبع پیشین، ص ۲۱۵



برای حل این مشکل به نظر می‌رسد، اتخاذ اقدامات و تدابیری از سوی دولتها لازم و ضروری می‌باشد برخی از این تدابیر عبارت می‌باشند از:

- از بین بردن ضعف اتکا به نفس و خودباوری زنان از طریق کلاسهای آموزشی و بالا بردن میزان مهارت‌های فنی و حرفه‌ای آنها

- استفاده از نیروی کار زنان در تمام بخش‌ها به‌ویژه در بخش‌های مدیریتی و کارشناسی
- ایجاد الگوهای جذاب از زنان مدیر و مدبر، از طریق به‌کارگیری زنان در مشاغل مهم دولتی و سیاسی.

ج- عدم تمایل مردان به کار زنان در محیط‌های مختلط

در برخی از کشورها، به‌ویژه کشورهای اسلامی پدران و یا شوهران با کارکردن دختران و زنان خود در مشاغلی که بصورت مختلط با مردان صورت می‌گیرد، کاملاً مخالف هستند و براین اساس مانع از اشتغال آنها در چنین مشاغلی می‌شوند، این محدودیت که ریشه در مذهب و گاهی سنت دارد باعث شده برخی از کشورها مثل عربستان،^۱ در قانون خود کار کردن زنان را فقط در محیط‌های زنانه بپذیرند، و به این ترتیب مشاهده می‌شود گاهی اوقات ممکن است یک محدودیت غیرحقوقی، به علت سنتها و آداب و رسوم جامعه از سوی دولت‌ها با وضع قوانین و مقررات به‌صورت یک محدودیت حقوقی در آید.

بند سوم: بررسی موانع اقتصادی

الف - رکود اقتصادی

در تمام جوامع بشری، وضعیت نابسامان یا رکود اقتصادی، می‌تواند به عنوان عامل مهمی در محدود کردن اشتغال زنان به شمار رود. به طور کلی در زمان رکود اقتصادی نیروی کار کمتری مورد نیاز است، تعداد زیادی از افراد جویای کار شغلی نمی‌یابند وعده ای از کارگران و کارمندان کار خود را از دست می‌دهند.^۲ لکن در تمام کشورها در این دوران و یا به هنگام تعدیل نیروی انسانی، زنان بیشتر از مردان مواجه با بیکاری و یا در معرض اخراج هستند، زیرا در اکثر جوامع تفکر ثانوی بودن اشتغال زنان وجود دارد براساس این تفکر، تامین

^۱ - برطبق ماده ۲۶ قانون کار عربستان «زنان فقط حق کارکردن در مشاغلی را دارند که مشتریان و استفاده کنندگان آن زن هستند، نظیر لباس فروشی، آرایشگاه و چاپ و انتشار کتب اختصاصی زنان» لازم به ذکر است در این موارد نیز بازرسان کار مراقبتهای لازم را برای جلوگیری از انحرافات احتمالی در جامعه شغلی زنان به عهده دارند.

^۲ - کار، مهرانگیز، زنان در بازار کار ایران، منبع پیشین، ص ۱۷۷



خانواده در درجه اول بر عهده مرد می باشد ضمن اینکه زن از نظر اقتصادی وابسته به مرد است و درآمد او در صورت شاغل بودن غالباً به عنوان درآمد مکمل تلقی می شود.

ب - شغل محسوب نکردن برخی از فعالیت های زنان
برخی از کارهایی که زنان انجام می دهند ممکن است براساس رویه حاکم بر کشورها، به عنوان یک شغل در نظر گرفته نشود چنانچه به عنوان مثال، امروزه فعالیت زنان در انجام امور خانه داری از سوی اغلب کشورها به عنوان شغل محسوب نمی گردد.

آمارهای صرف وقت به تمامی کارها، اعم از فعالیت های درآمدزا و یا غیردرآمدزا مانند امور خانه داری نشان می دهد که زنان در همه مناطق جهان اعم از کشورهای توسعه یافته و یا در حال توسعه، مدت زمان بیشتری را نسبت به مردان به کار اختصاص می دهند، چنانچه ۶۷ درصد از ساعات کار جهان به زنان تعلق دارد و تقریباً همه کارهایی که در محیط خانه صورت می گیرد به وسیله زنان انجام می پذیرد آنها حدود ۱۸ ساعت در روز کار می کنند در حالی که ۱۰ درصد از درآمد جهان را بدست می آورند.^۱ در کشور ما نیز کم و بیش این موانع در راه اشتغال زنان وجود دارد، به نحوی که فعالیت های زنان در برخی از امور از لحاظ حقوقی به عنوان شغل موردحمایت قرار نگرفته است. به عنوان مثال در بعضی اوقات وقتی زنی قالی می بافت، عمل او را کار خانگی محسوب می کنند، اما مردی که قالی می فروشد تاجر خوانده می شود. هر چند از نظر اقتصادی معمولاً زنان خانه دار را فعال نمی خوانند یا حتی برخی زنانی که در کنار خانه داری، صنایع دستی و در مناطق روستایی به دامداری و کشاورزی می پردازند نیز خانه دار می خوانند، اما در حقیقت آنان شرایطی را بوجود می آورند که همسرانشان فعالیت بیشتر و بهتری داشته باشند، بنابراین خود به نوعی در اشتغال مردان سهیم هستند، در حالیکه این امر در جایی به حساب نمی آید.^۲

ج - اختلاف دستمزد

امروزه در اکثر کشورهای جهان، زنان در قبال انجام کار مشابه و برابر با مردان، دستمزد کمتری دریافت می کنند برطبق آمار، در کشورهای در حال توسعه زنان ۲۵ درصد بیشتر از

^۱ - Marmel Anita. Simon Judi, Women and World Development, OEF international Washington. ۱۹۹۱: p.۸

^۲ - شاخص های اجتماعی و اقتصادی زنان در جمهوری اسلامی ایران، منبع پیشین، ص ۱۶۶



مردان کار می‌کنند، ولی حقوق آنها ۴۰ درصد کمتر از مردان است،^۱ در این ارتباط اگر چه برخی از اسناد بین‌المللی، از جمله مقوله نامه شماره ۱۰۰ سازمان بین‌المللی کار خواهان دستمزد برابر در مقابل کار برابر شده‌اند، لکن هنوز این امر محقق نشده است به نحوی که می‌توان گفت در اکثر کشورهای دنیا حقوق زنان کمتر از مردان می‌باشد.

از این رو، بسیاری از زنان وقتی مشاهده می‌کنند که در مقابل انجام کار برابر با مردان دستمزد کمتری دریافت می‌دارند نوعی دلسردی و دلزدگی از کار پیدا می‌کنند به نحوی که بسیاری از آنها به همین دلیل، اصلاً به اشتغال روی نمی‌آورند و یا اگر به انجام کار مشغول شدند کار خود را رها می‌نمایند براین اساس برابری دستمزد برای کار برابر می‌تواند به عنوان برطرف کننده این مانع اقتصادی به‌شمار رود.^۲

بخش چهارم: معمای اشتغال زنان در اقتصاد ایران

یک کشور نمی‌تواند از نیروی کار زنان در عرصه‌های مختلف بی‌نیاز باشد. اسلام به عنوان آخرین و کامل‌ترین دین آسمانی بوده در زمینه اشتغال و مالکیت زنان نظرات جامع و مترقی دارد. از نظر اسلام از نظر حقوق انسانی میان زن و مرد مساوات برقرار است و هیچ‌گونه امتیاز ناعادلانه‌ای برای مردان نسبت به زنان در نظر گرفته نشده است. زن و مرد در رفتارهای اقتصادی و غیره نه تنها دشمن تاریخی یکدیگر نیستند بلکه دو آفریده خداوند هستند که وجود هر یک آرامش بخش وجود دیگری و مایه تکامل یکدیگر و جامعه است. اسلام ضمن پذیرفتن حضور اقتصادی زنان در جامعه و تأکید بر حق مالکیت آنان و حضور فعال در جامعه، از مردان خواسته تا تأمین مالی آنها را برعهده بگیرند تا بانوان بتوانند با خیالی آسوده به مسئولیتهای مهم خود بپردازند. از نگاه اسلام زنان حق دارند علاوه بر وظایف تربیت نسل بشری به نقش‌های اجتماعی و فعالیت‌های اقتصادی نیز بپردازند. اما این نقش‌ها نباید به نقش‌های اصلی زنان که تربیت نسل بشری و مدیریت فضای مهر و عطوفت هسته اصلی جامعه اقتصادی یعنی خانواده، آسیب وارد کند. اسلام با کار کردن زن موافق است، بلکه کار را تا آن‌جا که مزاحم با شغل اساسی و مهم‌ترین شغل او، یعنی

^۱ - چنگیزی آشتیانی، مهرانگیز، «مشکلات اشتغال زنان در ایران و تجربه تعاونی زنان چینی»، مجله تعاون،

۱۳۷۵، ص ۶۸

^۲ - ابراهیمی معینی، علی، بررسی حق اشتغال زنان در حقوق ایران و در اسناد بین‌المللی و موانع حق اشتغال، منبع

پیشین، صص ۱۲۳-۱۲۴.



تربیت فرزند و حفظ خانواده نباشد، شاید لازم هم می‌داند. یک کشور نمی‌تواند از نیروی کار زنان در عرصه‌های مختلف بی‌نیاز باشد. اما این کار نباید با کرامت و ارزش معنوی و انسانی زن منافات داشته باشد. به طور مثال حضرت خدیجه (س) یکی از بازرگانان بزرگ مکه بوده که مخصوصاً در داستان شعب ابیطالب نقش حمایتی اقتصادی سترگی را ایفا می‌کند. پس اسلام فعالیت اقتصادی زن را محترم شمرده است و مرد حق ندارد که زن را به انجام کاری در داخل یا خارج منزل مجبور نماید. مفهوم این سخن آن است که کار زن در منزل هم بدون مزد نیست. بنابراین خانه‌داری از وظایف الزامی زن نیست، بلکه کار داوطلبانه و از روی احساس مشارکت در زندگی زناشویی است.

بر اساس آموزه‌های اسلام، در واگذاری مشاغل بایست به نکات مهمی چون مصلحت جامعه و خانواده، شرایط و مصالح فردی و اولویت‌ها در واگذاری کار به اشخاص توجه شود. دین اسلام از حامیان تساوی حقوق زنان و مردان است، اما نه به آن معنا که در غرب رواج دارد. بلکه منظور اسلام اختصاص کار هماهنگ با طبیعت و ویژگیهای روحی و جسمی زن و مرد است. زیرا واگذاری دسته‌ای از مشاغل سخت و زیان‌آور به زنان، با مصالح فردی و اجتماعی و خانوادگی آنها سازگاری ندارد. تفاوت شغلی زنان و مردان غیر از تفاوت حقوقی آنان است. از نظر اسلام زن و مرد دارای حقوق مساوی هستند. از نظر اسلام زن فرد یا شهروند درجه دو نیست و ملاک ارزش و شخصیت انسان به جنسیت او بستگی ندارد و تقوا ملاک برتری بودن انسانهاست «ان اکرمکم عندالله اتقکم». انسانها از نظر علم و استعداد و قدرت فیزیکی و عاطفی با یکدیگر تفاوت دارند. این تفاوت مربوط به خلقت زن و مرد است و چیزی که مربوط به خلقت باشد با دستکاری بشری قابل تغییر نیست. نتایج پژوهش‌های جامعه‌شناسی در کشورهای توسعه یافته نشان می‌دهد در حال حاضر، هم زنان شاغل از زندگی ناراضیتی دارند و هم زنان خانه‌دار دچار افسردگی هستند. اشتغال زنان تلاش این قشر برای کسب حقوق اجتماعی است. در رد تفکری که اشتغال زنان را سبب تزلزل خانواده می‌داند دلایل متعددی وجود دارد، زیرا، مرد خانواده نیز به اندازه زن در استحکام بنای خانواده نقش دارد. اما متأسفانه محدودیت‌ها دامنگیر زنان می‌شود. در واقع با توجه به اینکه زنان در حوزه‌های مادری، همسری، اقتصادی، اجتماعی فردی و خانه‌داری همزمان ایفای نقش می‌کنند، نیازمند حمایت بیشتری هستند. این در حالی است که در مورد زنان شاغل چندگانگی و ناهمگونی نقش‌ها، خستگی و ناراضیتی آنان را به همراه دارد و از یک سو زن



شاغل زیر فشار کار خانه و کار خارج از خانه دچار فرسودگی شغلی زودرس می شود. در کشورهایی مانند ایران این به دلیل این است که متأسفانه شغل خانه‌داری از سوی جامعه و خانواده، ارزش واقعی و جایگاه لازم را نیافته است.

یکی از مشکلات در این زمینه در کشور ما تعاریف اقتصادی غیر بومی است، زیرا مطابق تعاریف اقتصاد کلان، بیشتر فعالیت‌های زنان خانه‌دار در محاسبه تولید ناخالص ملی نادیده گرفته می‌شود. یعنی هیچ ارزیابی از نقش غیر مستقیم مادری و همسری در تولید ثروت و کاهش هزینه‌های خانواده و مؤثر بودن فعالیت‌های آنان در اقتصاد کلان انجام نمی‌شود. در صورتی که اگر این امور به وسیله کسی به جز زن خانه‌دار انجام شود، باید برای آن پول پرداخت شود و فعالیت‌های زنان در این زمینه جانشین درآمد برای خانواده گردد. یعنی از طرفی زن خانه دار را بیکار در نظر گرفته و از سوی دیگر در زن شاغل داری فرزند را بعلاوه نگه دارندگان فرزندان را شاغل محسوب می‌شوند. شاخص‌های آماری نیز تأییدکننده این مطلب است، به طوری که در سرشماری‌های آماری زنان بخشی از جمعیت فعال اقتصادی را تشکیل می‌داند، اما ارزش حقیقی نیروی کار زنان از در محاسبات مربوط به تولید ناخالص ملی کشور محاسبه نمی‌شود. با توجه به فرهنگ، آداب و رسوم کشور و قوانین موجود کشور در مورد اشتغال زنان نکته اساسی اینجاست که اولویت اشتغال در زمان وجود بحران بیکاری در کشور در مورد نحوه سیاست‌ها و قوانین استخدام و اشتغال در اقتصاد ایران دیده نشده و منطبق با فرهنگ، آداب و رسوم اقتصاد ایران نمی‌باشد و از این رو در این شرایط شاهد یک تناقض کلیدی خواهیم بود که از آن به عنوان معمای اشتغال زنان در اقتصاد ایران یاد می‌کنیم. یکی از مهمترین آسیب اشتغال زنان در مشاغل غیرضروری و نابجا در زمان وجود بیکاری چند میلیونی، بیکار شدن مردان است که این امر با توجه به فرهنگ بومی (ملی-دینی) ما باعث بروز مشکلات بسیاری می‌شود و اشتغال زنانی که باید باعث رشد و توسعه اقتصادی شود برعکس عمل کرده و مشکلات و آسیب‌های اجتماعی اقتصادی بسیاری را بوجود می‌آورد. به طور ملموس در فرهنگ بومی ایران مسئولیت تأمین مسکن، معاش و نیازهای ضروری خانواده بر عهده مرد است ولی قوانین اشتغال اقتصاد ایران متأثر از غرب با وظیفه شغلی و همخوانی ندارد و در اینجا به یک تناقض منجر می‌شود. در شرایط حاضر به وضوح قابل مشاهده است؛ که یک دختر مجرد شاغل برای تشکیل خانواده منتظر یک مرد شاغل می‌باشد در حالیکه یک مرد مجرد بیکار برای تشکیل خانواده نیازمند

یک شغل می‌باشد و این به شوهر نمی‌رسد و آن به شغل. در این مرحله یک دور باطل در چرخه اشتغال اقتصاد ایران تشکیل می‌شود. از طرفی دیگر مشاغلی را که در یک جامعه اسلامی در برخی موارد باید توسط زنان انجام شود به طور ناباورانه و غیر منطقی در اختیار مردان قرار می‌گیرد. که به طور مثال حدود نیمی از نیروی شاغل وزارتخانه‌هایی مانند بهداشت و درمان، آموزش و پرورش و علوم و تحقیقات فن آوری و می‌تواند یا شاید لازم است که در اختیار زنان قرار بگیرد ولی در عمل اینگونه نیست. یکی دیگر از آسیبها در این شرایط؛ در کنار آسیبهای اجتماعی و اقتصادی فراوان مانند هدر رفتن هزینه‌های کلان دولتی و خصوصی آموزشی، خدماتی غیرهدفمند و...، افزایش سن ازدواج، افزایش توقعات در انتخاب همسر و به تبع آن افزایش سن زیستی والدین و نوزادان می‌شود. سن زیستی در کنار سن تقویمی و سن عقلی در تضمین رشد پایدار و کاهش هزینه‌های بهداشت و سلامت نقش مهمی را ایفا می‌کند. روانشناسان و متخصصان علم ژنتیک بسیاری از اختلالات ژنتیکی و ناهنجاریهای ناشی از جهش‌های ژنی به دلیل افزایش سن زیستی و تأثیر بیشتر تراژوژنها (عوامل محیطی آسیب رسان به ژنها مانند اشعه ایکس و سرب) می‌دانند به طوری که طبق جدیدترین آمار، حدود ۱۰ درصد افراد جامعه دارای انواعی از معلولیت هستند که بسیاری از آنها بوسیله افزایش سن زیستی بوقوع می‌پیوندد که هزینه‌های بالینی، بازپروری و درمانی زیادی را در بر دارد. همه این آسیبها با ادامه روند کنونی سیاستها و قوانین ناسازگار اقتصاد ایران در مورد اشتغال، تقویت می‌شود. با روند کنونی بیکاری ۲۰۹ میلیونی و تزریق حداقل ۳۰۵ میلیون بیکار در سالهای نزدیک، کارشناسان معتقدند یکی از مهمترین مشکلات اقتصاد کشور در سالهای آتی بحران بیکاری خواهد بود که این امر هزینه‌های اقتصادی و اجتماعی گزافی را به اقتصاد تحمیل می‌نماید. در آخر به ابتدای مطلب بر می‌گردیم که کلید اقتصاد جهان در دست زنان است و نقش زنان به عنوان نیمی از پیکره بشریت در این راستا حائز اهمیت است، ولی در این مقوله، قفل‌های توسعه و پیشرفت همه جانبه اقتصاد ایران به طور خاص در مورد اشتغال زنان، کلید مخصوص خود را می‌طلبد.^۱

^۱ مقاله معماری اشتغال زنان در ایران به قلم علی اصغر ربیعی، ص ۶

نتیجه گیری

در نتیجه گیری پایانی مقاله حاضر فهمیدیم اشتغال زنان به عنوان یکی از مهمترین کلیدهای پیشرفت اقتصاد جهان تلقی می شود. اشتغال زنان در شاخصهای نوین اقتصادی یکی از عوامل موثر توسعه محسوب می شود. در قرنهای گذشته با رایج بودن زندگی روستایی و فعالیت عمده بخش کشاورزی، اشتغال زنان نه تنها وجود داشته بلکه نقش مهمی را در اقتصاد ایفا می کرده اما بعد از شروع انقلاب صنعت در کنار بخشهای اقتصاد بخش صنعتی به طور چشم گیری گسترش می یابد و تقاضای نیروی کار افزایش پیدا می کند و بخش تولید خواهان استخدام نیروی کار بیشتری می شوند و در این میان کارفرمایان خواهان نیروی کار ارزان می شوند که در این مرحله اشتغال زنان کمک عمده ای به چرخیدن چرخ اقتصاد می نماید. نهایتاً در جمع بندی و نتیجه گیری کلی در راستای نتایج مشارکت زنان در اشتغال باید به موارد زیر اشاره داشت:

- اشتغال زنان به کارهای غیر خانگی از بار تکفل می کاهد و هر چه بار تکفل کمتر باشد، درآمد سرانه بیشتر می شود و یکی از شاخص های توسعه، میزان بار تکفل است.
- افزایش اشتغال زنان، کاهش باروری و در نتیجه کاهش رشد جمعیت را به همراه دارد و درآمد سرانه را بالا می برد که موجب رشد و توسعه می شود.
- با افزایش مشارکت زنان در اشتغال، دسترسی مادران به فرصت های آموزشی بیشتر شده و موجب تقویت حس استقلال و تأثیر آن در افزایش تصمیم گیری های زن در خانواده می شود.
- در سطح روستاها هر چه آموزش بیشتر باشد و تجزیه شغلی افزایش یابد و زنان همراه با مردان در استفاده از تکنولوژی های جدید مربوط به کشاورزی و صنایع دستی، آموزش های لازم را ببینند، باعث رشد اقتصادی کشور خواهند شد.
- در سطح شهرها هر چه زنان، تحصیلات عالی و تخصص داشته باشند و تخصص های لازم جهت کسب مشاغل بالاتر را کسب نمایند، شرایط بهتری در اقتصاد کشور ما ایجاد خواهد شد.



منابع و مآخذ

الف - منابع فارسی

- ۱- ابواحمد، دکتر عبدالحمید ؛ حقوق اداری یک، (تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران ۹۷-۱۳۹۶)
- ۲- ابواحمد، دکتر عبدالحمید ؛حقوق اداری ایران (تهران، انتشارات توس، ۱۳۹۶)، چاپ سوم
- ۳- اردلان، ظفر دخت ؛ بررسی و تحلیل ماده دهم اعلامیه جهانی رفع تبعیض از زن، (تهران، سازمان زنان ایران، ۱۳۵۴)
- ۴- آشوری، داریوش ؛ فرهنگ سیاسی (تهران، انتشارات مروارید، ۱۳۹۵)
- ۵- افشاری، زهرا، اشتغال زنان و نقش آن در بازسازی اقتصاد کشور (تهران، دانشگاه الزهرا، ۱۳۶۹)
- ۶- امامی، دکتر سید حسن، حقوق مدنی، (تهران، انتشارات کتابفروشی اسلامیه، ۱۳۷۰)، جلد دوم، چاپ ششم
- ۷- امیدی پور، باسمه ؛ ((تقویت مشارکت کارکنان زن در مدیریت))، مجله پیام زن، سال هشتم، شماره ۲، اردیبهشت ۱۳۷۸
- ۸- باقریان، میترا، بررسی ویژگیهای اشتغال زنان در ایران (تهران، سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۶۵)
- ۹- بوشهری، دکتر جعفر، مسائل حقوق اساسی، (تهران، نشر دادگستر، ۱۳۷۶)، چاپ اول
- ۱۰- بهنام، جمشید ؛ ساختهای خانواده و خویشاوندی در ایران، (تهران، خوارزمی، ۱۳۵۶)
- ۱۱- تکمیل همایون، ناصر ؛ بررسی موقع و منزلت زن در تاریخ ایران، فرهنگ و زندگی، سال ۱۳۵۴، شماره ۱۹، ۲۰
- ۱۲- جاراللهی، دکتر عذرا ؛ ((تاریخچه اشتغال زن در ایران))، فرهنگ و زندگی، سال ۱۳۵۴، شماره ۱۹، ۲۰
- ۱۳- جلالی ؛ محمد ؛ پایان نامه موضوع ((بررسی شرایط کار کودکان و نوجوانان در حقوق ایران، هندو اسناد بین المللی)) به راهنمایی استاد دکتر سید عزت الله



- عراقی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، سال تحصیلی ۷۷-۱۳۷۶ (۱۴-حسینی طهرانی، سید محمد حسین؛ رساله بدیعه، (مشهد انتشارات علامه طباطبائی)، ۱۴۱۸ ه.ق.)، چاپ دوم
- ۱۵- خوانساری، دکتر محمد، دوره مختصر منطق صوری، (تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۶۸)
- ۱۶- دفتر پژوهشهای فرهنگی وابسته به مراکز فرهنگی - سینمایی ؛ حیات اجتماعی زن در تاریخ ایران، (تهران، امیر کبیر، ۱۳۶۹)
- ۱۷- سارو خانی، دکتر باقر ؛ مقدمه ای بر جامعه شناسی خانواده، (تهران، انتشارات سروش، ۱۳۷۰)
- ۱۸- شادی طلب، ژاله، ((اشتغال زنان در فرایند توسعه))، مجموعه مقالات تعاون، زن، اشتغال (تهران، وزارت تعاون، ۱۳۷۵)، چاپ اول
- ۱۹- شهری، غلامرضا / حسین آبادی، امیر ؛ مجموعه نظرهای مشاورتی اداره حقوق دادگستری جمهوری اسلامی ایران، (تهران، روزنامه رسمی کشور)
- ۲۰- صفایی، دکتر سید حسن / امامی، دکتر اسدالله ؛ حقوق خانواده، (تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۶۹)، جلد اول
- ۲۱- عراقی، دکتر سید عزت الله ؛ آیا می دانید حقوق زن در دوران ازدواج چیست؟، (تهران، نشر راهنما، ۱۳۶۹)، چاپ اول
- ۲۲- عراقی، دکتر سید عزت الله ؛ جزوه درسی حقوق کار، (تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، ۷۲ - ۱۳۷۱)
- ۲۳- عراقی، دکتر سید عزت الله ؛ حقوق بین الملل کار، (تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۶۷)
- ۲۴- عراقی، دکتر سید عزت الله ؛ دوره حقوق کار، (تهران، انتشارات دانشگاه ملی ایران، ۱۳۵۶)، جلد اول
- ۲۵- فرزاد فر، رفعت ؛ ((اثر اشتغال زنان بر خانواده))، روزنامه اطلاعات، مورخ ۱۳۷۸/۶/۱۳
- ۲۶- کاتوزیان، دکتر ناصر؛ حقوق مدنی خانواده، (تهران شرکت انتشار پروین، ۱۳۷۱)، جلد اول، چاپ سوم



- ۲۷- کار، مهرانگیز، رفع تبعیض از زنان، (تهران، انتشارات پروین، ۱۳۷۸)، چاپ اول ؛
- ۲۸- کمیته ملی چهارمین کنفرانس جهانی زن ؛ گزارش ملی وضعیت زنان در جمهوری اسلامی ایران، (تهران دفتر امور زنان ریاست جمهوری ۱۳۷۴)، چاپ اول
- ۲۹- لوین، لیا ؛ پرسش و پاسخ درباره حقوق بشر، (تهران، نشر قطره، ۱۳۷۷)، ترجمه محمد باقر پوینده، چاپ سوم
- ۳۰- ماتسوکو - آساکورا ؛ ((مشکلات حقوقی جاری کارگران زن ژاپنی)) ۹، مجله کانون وکلا، شماره ۱۶۷ - ۱۶۶، بهار - تابستان ۱۳۷۶ ؛ ترجمه دکتر سید فضل الله موسوی
- ۳۱- موسوی، دکتر سید فضل الله ؛ گفتارهایی درباره حقوق کار، (تهران ؛ دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۷) چاپ اول
- ۳۲- مهرپور، دکتر حسین؛ نظام بین المللی حقوق بشر (انتشارات اطلاعات / ف ۱۳۷۷)، چاپ اول
- ۳۳- مهرپور، دکتر حسین ؛ ((نظری بر جایگاه زن و حقوق اجتماعی او از دیدگاه قرآن)) مجله کانون وکلا، شماره ۱۵۹ - ۱۵۶، سال ۷۲-۱۳۷۱
- ۳۴- مهرپور، دکتر حسین ؛، نگاهی به حقوق مالی زن در نظام حقوقی ایران))، مجله حقوق دادگستری، شماره ۲۴، پاییز ۱۳۷۷
- ۳۵- میشل، آندره ؛ جنبش اجتماعی زن، (مشهد نشر نیکا، ۱۳۷۲، ترجمه دکتر همایون زنجانی زاده، چاپ اول
- ۳۶- نیاکی، دکتر جعفر ؛ جزوه درسی حقوق کار، (تهران، دانشکده حقوق دانشگاه ملی ایران، ۱۳۵۷)
- ۳۷- واسعی زاده، سید مرتضی، موازین بین المللی کار، (تهران، موسسه کار و تامین اجتماعی، ۳۷۷)

ب- منابع لاتین

۱. Anne – Marie Brocas And Anne –Marie Cailoux And Virginine Oget . Women And Social Security (Geneva, International Labour Office , 1990)
۲. Committee Of Experts On The Application Of Conventions And Recommendations . Equal Remuneration(Geneva, International



- Labour Office , 1990)
۳. Committee Of Experts On The Application Of Conventions And Recommendations .Equality In Employment And Occupation (Geneva, International Labour Office , 1990)
 ۴. Committee Of Experts On The Application Of Conventions And Recommendations . Workers With Family Responsibilities (Geneva, International Labour Office , 1990)
 ۵. Francois Eyraud, “Equi Pay And Value Of Work In Industrialized Countries “ ,International Labourreview,1993,Yol.132.No1.
 ۶. Henrik Karl Nielsen. “”The Concept Of Discrimination In Ilo Convention No ,111”,International And Comparative Law Quarterly , October 1994 , Vol.43.Labour Reviw.1993, Vol.132.No1.
 ۷. International Labour Office.World Labourreport, Vol.2(Geneva,Ilo.1985)
 ۸. International Labour Office.Year Book Of Labour Statistics (Geneva,Ilo, 1982).
 ۹. Linda Writh . “Woman In Management: Closer To Breaking Through The Glass Ceiling?”,International Labour Review ,1998, Vol .137,No.1.
 ۱۰. Lioyd G . Reynolds .Laboreconomics And Labor Relations , (Newjersey , Prentice-Hall.Inc.1978.)
 ۱۱. “Maternity Protection”,World Of Work .April/May 1999,No,29.
 ۱۲. “Maternity Protection Work”,World Of Work,April/May 1998,No.24
 ۱۳. Matering Mexico, The Story Of The World Conference Og The International Womens Year “ (Newyork,United Nations , 1975) .